یک رسوایی دیگر برای اصلاح طلبان بازی با بورسیه ها تمام شد!

سرانجام پس از نزدیک به یکسال و اندی از حاشیه‌سازی رسانه‌های دولتی و برخی مقامات ارشد دولت یازدهم درباره بورسیه‌های تحصیلی دولت قبل و ادعای غیر قانونی بودن آنها، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ای به وزارت علوم اعلام کرد اکثر قریب به اتفاق این بورسیه‌ها روال قانونی خود را طی کرده‌اند و این وزارتخانه موظف است اقدامات لازم جهت ادامه تحصیل دانشجویان را انجام دهد.

از همان روزهای نخست آغاز به کار دولت یازدهم، زمانی که مشخص شد بسیاری از وعده‌های انتخاباتی مطرح شده اجرایی نیست، رسانه‌های زنجیره‌ای با طرح دروغ بزرگی به نام ۳۰۰۰ بورسیه غیر قانونی مدعی شدند دولت جدید در برابر این مسئله ایستادگی کرده و مانع ادامه تحصیل دانشجویان خواهد شد.

عده ای نیز با طرح این مسئله به منظور انحراف افکار عمومی از مسائلی نظیر مذاکرات هسته‌ای و یا ناکامی دولت در اجرای وعده‌های انتخاباتی به دنبال آن بودند که در میان مردم «قهرمان» مبارزه با فساد قلمداد شوند.

اما سرانجام پس از مدت‌ها کش‌وقوس در این باره و بیان اظهارات موافقان و مخالفان این موضوع در رسانه‌های مختلف، رئیس کمیسیون اصل۹۰ با انتشار نامه‌ای خطاب به وزیر علوم اعلام کرد براساس بررسی‌های این کمیسیون، اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان بورسیه به طور کاملا قانونی مشغول به تحصیل شده‌اند و وزارت علوم موظف به فراهم آوردن شرایط ادامه تحصیل آنهاست.

این در حالی است که پیش از این نیز در گزارش وزارت علوم که قبل از آمدن محمد فرهادی منتشر شده بود به صراحت تاکید شده بود که از میان چند هزار دانشجوی بورسیه دولت قبل، تنها ۳۶ نفر از آنها به علت اعلام اطلاعات نادرست به مسئولان وقت، بورسیه‌شان غیرقانونی است و باید ابطال شود.

با این حال در همان گزارش آمده بود که بیش از ۸۰۰ نفر از دانشجویان دیگر به علت مشکلاتی مانند کسری معدل، کبر سن و... بورسیه‌شان لغو شده است، اما کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با رد ادعاهای بیان شده، نحوه گزینش افراد را قانونی اعلام کرده است. به نظر می‌رسد وزارت علوم با بررسی جناحی و ناعادلانه، این پرونده‌ها را منطبق با قانون بررسی نکرده و با ارائه ناقص قانون به افکار عمومی، مدعی غیرقانونی بودن این بورسیه‌ها شده است.

جالب آنکه در سخنرانی رئیس جمهور در ۱۴ خرداد۹۳ که به همراه اعضای هیئت دولت در مراسم تجدید پیمان با امام راحل(ره) انجام گرفت، دانشجویان بورسیه علمی به نشان «پرونده فساد بورسیه‌ها» مفتخر شدند. به کار برده شدن عباراتی همچون بورسیه و ما ادراک بورسیه در سخنان رئیس جمهور به گونه‌ای بود که گویی از منظر وی، موضوع بورسیه‌ها، مسئله اصلی کشور و حذف دانشجویان بورسیه وظیفه نخست دولت است. اینکه پس از صدور اطلاعیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آشکار گردید، پرونده عظیم ادعایی ۳۷۷۲ بورسیه متخلف فقط به ۳۶ نفر فروکاسته شده است، ذکر نکاتی چند لازم به نظر می‌رسد:

۱ - متاسفانه برخلاف ادعای مطرح شده از سوی دولت، مبنی بر اهمیت حوزه علم و فرهنگ، این حوزه از جمله مقوله‌هایی است که مورد غفلت و بی‌توجهی خاصی قرار گرفته است، که البته با توجه به رویکرد تکنوکراتی حاکم بر دولت ابدا چیز عجیبی نیست. بررسی عملکرد وزارت علوم در طول یکسال گذشته به خوبی اثبات کننده این ادعاست. در وزارتخانه‌ای که توهم گزینش غیرقانونی دانشجویان بورسیه‌ای دل‌مشغولی اصلی دولت بود، معرفی افرادی برای تصدی مسئولیت در این وزارتخانه که دارای سابقه حضور در فتنه ۸۸ بوده‌اند، به خوبی مبین مظلومیت جایگاه علم و جنبش نرم افزاری در سیاست‌های دولت است. جالب تر آنکه پاسخ دولت به دغدغه‌های مشروع نمایندگان مبنی بر عدم صلاحیت نامزدهای معرفی شده بیانگر اولویت حفظ منافع حزبی و جناحی بر رشد علمی کشور است.

*** بررسی عملکرد وزارت علوم در طول یک‌سال گذشته به خوبی اثبات‌کننده این ادعاست. در وزارتخانه‌ای که توهم گزینش غیرقانونی دانشجویان بورسیه‌ای دل‌مشغولی اصلی دولت بود، معرفی افرادی برای تصدی مسئولیت در این وزارتخانه که دارای سابقه حضور در فتنه ۸۸ بوده‌اند، به خوبی مبین مظلومیت جایگاه علم و جنبش نرم‌افزاری در سیاست‌های دولت است. جالب‌تر آنکه پاسخ دولت به دغدغه‌های مشروع نمایندگان مبنی بر عدم صلاحیت نامزدهای معرفی شده بیانگر اولویت حفظ منافع حزبی و جناحی بر رشد علمی کشور است.**

منافع حزبی و جناحی بر رشد علمی کشور است.

گویا منافع دولت در این بودکه وزارتخانه فوق‌الذکر درگیر جنجال و تعویض سرپرست و استیضاح باشد، تا هم مجلس تحت فشار قرار بگیرد و هم دولت به ادامه مظلوم‌نمایی بپردازد. البته لایه‌های پنهان این سیاست لجبازانه دولت در معرفی وزرای علوم و بزرگنمایی بیش از حد موضوع بورسیه‌ها، به این امر باز می‌گشت که تکنوکرات‌های دولت با قربانی نمودن وزارت علوم در پی آن هستند؛ وزارتخانه‌های دیگر که، به زعم آنان مهم‌تر از بقیه هستند نظیر؛ نفت و وزارت خارجه و ... را بیمه نمایند. لذا جنجال بر سر وزارت علوم، تضمین کننده عدم طرح مسائلی چون؛ پرونده کرسنت، مذاکرات هسته‌ای و ... است. نتیجه این‌گونه سیاست‌ورزی قربانی شدن بیش از سه هزار دانشجوی نخبه‌ای است که در وضعیتی بلاتکلیف مانده‌اند.

۲- شگرد تبلیغاتی دولت در یکی دو سال اخیر به وضوح گویای این امر بوده است که از نظر دولتمردان، راه‌حل نهایی همه مشکلات متوقف بر حل پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌هاست و لذا تا پیش از حل این موضوع، برای اینکه تدبیر دولت اثبات و امید در جامعه تداوم یابد، بایستی دوران دولت‌های نهم و دهم چنان سیاه و تاریک نشان داده شود تا هیچ فردی آرزوی بازگشت بدان شرایط را در سر نپروراند. در این زمینه پرونده فساد اقتصادی ۳۰۰۰ میلیاردی به عنوان یک نماد مطرح گردید و متاسفانه مدیران وزارت علوم نیز به این طمع افتادند تا یک پرونده ۳۰۰۰ تایی دیگر و در قالب دانشجویان غیرقانونی بورسیه‌ای رونمایی کنند.

۳ - گویا رئیس جمهور محترم اصرار خاصی داشتند تا در کابینه اعتدالی خود، وزارت علوم را سهم اصلاح‌طلبان بدانند. بر همین اساس وزارت علوم صحنه جولان اصلاح‌طلبان افراطی و فتنه‌گران سال ۱۳۸۸ شده بود. نتیجه مستقیم حاکمیت جریانات افراطی بر وزارت مزبور این بود که از بدو امر تلاش مضاعفی برای حذف دانشجویان بورسیه و محروم نمودن آنان از حقوق قانونی آغاز شود. مطالعه مواضع و مصاحبه‌های مسئول اداره بورس، رئیس سازمان دانشجویان و سرپرست وقت وزارت، نشان می‌داد که ریشه مشکل بورسیه‌ها، کینه و عداوت این جریان با نخبگان علمی و دانشجویان ارزشی است. بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار با اعضای خبرگان در اسفند سال گذشته و دیدار با مسئولان نظام در تیرماه سال گذشته که در خصوص قدرشناسی از جوانان مومن و انقلابی توصیه نموده‌اند و درباره

*** شگرد تبلیغاتی دولت در یکی دو سال اخیر به وضوح گویای این امر بوده است که از نظر دولتمردان، راه حل نهایی همه مشکلات متوقف بر حل پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌هاست و لذا تا پیش از حل این موضوع، برای اینکه تدبیر دولت اثبات و امید در جامعه تداوم یابد، بایستی دوران دولت‌های نهم و دهم چنان سیاه و تاریک نشان داده شود تا هیچ فردی آرزوی بازگشت بدان شرایط را در سر نپروراند. متاسفانه مدیران وزارت علوم نیز به این طمع افتادند تا یک پرونده ۳۰۰۰ تایی دیگر و در قالب دانشجویان غیر قانونی بورسیه‌ای رونمایی کنند.**

حذف این جوانان و منزوی نشدن آنها هشدار دادند، تناقضی است که ادامه دارد و بی‌گمان احتمالاً اعتدال دولت در حال بدل شدن به افراط است!

۴- عده‌ای از مسئولین وزارت علوم برای مشروعیت بخشی به اقدام خود و همراه نمودن افکار عمومی در زمینه بورسیه‌ها، از عنوان بورسیه‌های رانتی و آقازاده‌ها استفاده نمودند، که این نیز از جمله طنزهای سیاسی است ! کیست که نداند؛ عنوان آقازاده‌ها برای اطلاق بر چه مصادیقی و در قالب چه گفتمانی صورت گرفت. اما اینک اصلاح‌طلبان و کارگزاران هم، از مفهوم آقازادگی استفاده می‌کنند که البته باید آن را به فال نیک گرفت! اما درباره بورسیه‌ها، باید گفت؛ اگر در تعریف آقایان دانشجوی نخبه‌ای که مقالات پژوهشی فراوان، کتب تالیفی و یا اختراعات علمی در سابقه خود دارد، اما در هیچ حزب و دسته‌ای قرار ندارد و فرزند و خواهرزاده هیچ بزرگی نیست، آقازاده تلقی می‌شود. و یا مربی دانشگاهی که در مناطق محروم کشور قرار داشته و تا پیش از این امکان ادامه تحصیل نداشته است، آقازاده خوانده می‌شود، باید بگوئیم همه بورسیه‌ها آقازاده بوده اند. چرا که همگی اهل علم و اندیشه و رهروان مکتب امام خمینی(ره) و فرزندان راه امام خامنه‌ای بوده و هستند.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که جنجال بورسیه، تنها برای اهدافی من الجمله رهایی فرجی‌دانا از استیضاح و ایضاً زیر سوال بردن کلیت دولت‌های نهم و دهم بود که خوشبختانه با روی شدن دست مدعیان بورسیه‌های غیرقانونی، به هیچیک از اهداف از پیش تعیین شده دست نیافت.

دانشگاه در جبهه - ۱۰۷

دانشجوی شهید علی‌اکبر پاشایی

شهید علی اکبر پاشایی در سال ۱۸ بهمن ۱۳۴۴ در کرمانشاه دیده به جهان گشود. در همان اوان کودکی سعی در انجام فرائض دینی داشت، در جلسات قرآن مساجد شرکت می‌نمود کلاس پنجم ابتدایی بود که انقلاب اوج گرفت و علیرغم سن کم در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد، نماز جمعه را ترک نمی‌کرد، در انجمن اسلامی مدرسه فعالیت داشت. همیشه آرزو داشت که به جبهه برود. هنگام شروع جنگ تحمیلی در دو سنگر علم و جبهه به مبارزه پرداخت و در تابستان‌ها به جبهه می‌رفت و هیچ وقت هم از درس عقب نمی‌ماند در سال ۶۴ موفق به قبولی در دانشگاه تهران - دانشکده ابوریحان رشته بهداشت عمومی شد. از جمله فعالیت‌های ایشان در دوران جنگ و جهاد حضور در عملیات‌های والفجر۲، والفجر۴، خیبر، کربلای ۵، کربلای ۸ بود. شهید علی‌اکبر پاشایی سرانجام در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۶۵ پس از انجام رشادت‌های فراوان به فیض شهادت نائل آمد.

در فرازهایی از وصیت‌نامه شهید دانشجو «علی اکبر پاشایی» می‌خوانیم:

و اما مادر عزیزم چه بگویم واقعا شرمنده‌ام از رویت. از دست‌های سوخته‌ات، از قامت خمیده‌ات که چون شمع سوختی و ما را به اینجا رساندی.

پدرجان! من هیچ فرزند خوبی برایت نبودم و خیلی تو را اذیت کردم، به خدا قسم! شرمنده‌ام و امیدوارم حلالم کنی و ببخشی که دستم کوتاه است و بار گناهانم سنگین.

پدرجان! تو را به خدا می‌سپارم و وصیت می‌کنم به تقوی و به اینکه در خط امام باشی و مشت محکمی بر دهان دشمنان امام و اسلام بکوبی و تقاضا دارم از خدا بخواهی که مرگ مرا شهادت در راهش قرار دهد و در قیامت روسفید در برابرش بایستم.

امید آن دارم که شما خانواده عزیزم و کلیه کسانی که این وصیت‌نامه را می‌خوانید و یا می‌شنوید همواره در خط امام و یار و یاور اسلام و مسلمین باشید و بدانید خدا با صابران است و این خون‌های به ناحق ریخته شده هیچ‌گاه بی‌ثمر نمی‌ماند و روزی می‌رسد که نهال اسلام و انقلاب اسلامی به واسطه این خون‌های مقدس شهیدان ثمر می‌دهد.

مهم‌تر از مذاکرات

مذاکرات هسته‌ای، خوب یا بد، درست یا نادرست تمام می‌شوند. اگر بزرگترین هنر مذاکرات را رفع تحریم‌ها بگیریم و فرض کنیم تحریم‌ها طبق مذاکرات برداشته شوند، حالا کار بزرگ دولت و ملت شروع شده است. دولتی که دیگر دست تحریم گلویش را فشار نمی‌دهد و ملتی که احتمالاً رفاه بیشتر را تجربه خواهد کرد.

محسنات رفع تحریم‌ها و رفاه را همه می‌دانند و همه، کم یا بیش، مشتاقانه منتظرش بوده‌اند اما همین اتفاق با همه محسناتش، می‌تواند به عاملی برای تخریب نامحسوس اقتصاد و فرهنگ کشور تبدیل شود.

یادمان باشد که تحریم‌ها باشد یا نباشد، ما در حوزه عدالت اقتصادی مشکل داریم. در حوزه ارتباط علم و اقتصاد، دانشگاه و تولیدکننده مشکل داریم و این مشکلات با رفع تحریم حل نمی‌شوند. یادمان باشد فرهنگ کار ما با بیانیه مشترک ارتباطی ندارد. اشکال از سیستم‌ها باشد یا افراد، همگی ما طعم تلخ اختلاس و دزدی و انواع فساد اقتصادی را چشیده‌ایم. یادمان باشد که بروکراسی اداری نفس تولیدکنندگان را بریده است و بین نفس اهتمام آقایان تا عزم انجام، فاصله است.

یادمان باشد سیستم آموزشی ما هم کم مقصر نیست و شاید در بیکارپروری نقشی موثرتر از خیلی نهادهای مرتبط با موضوع کار داشته باشد.

یادمان باشد که ممکن است بدبخت و وابسته باشیم ولی گوجه ارزان باشد و پهنای باندا‌ینترنت زیاد باشد و هر وعده مرغ بخوریم. ممکن است اقتصاد و فرهنگ و سیاستمان ویران شده باشد ولی بی.بی.سی هر روز از خوبی‌های ما تعریف کند.

یادمان باشد قدرت خریدی که با آن حجم تولیدکننده خارجی را زیاد کنیم، درصد بیکاری ما را افزایش می‌دهد و احتمال رقابت تولیدکننده‌ایرانی را کم می‌کند واین دقیقاً همان چیزی است که نمی‌خواستیم. احیاناً رفع تحریم‌ها و احتمالا رفاه نسبی ناشی از آن، خوابمان نکند. دشمن هنوز واین بار نزدیکتر و با نفوذ بیشتر، بیخ گوشمان ایستاده و به محض آن که از پیشرفت‌هایمان احساس خطر کند، انبان بهانه‌هایش را باز می‌کند و دوباره روز از نو!

یادمان باشد که اسراف در سبک زندگی ما بیداد می‌کند و تحریم باشد یا نباشد، توافق‌ها عملیاتی بشوند یا نه، اسراف مخرب و نابودکننده است. یادمان باشد که بازارها و معاملات، از دروغ و خیانت اشباع شده‌اند و هیچ بندی از توافقنامه ذره‌ای از این بی‌اخلاقی مهلک، نمی‌کاهد.

یادمان باشد آمریکا هنوز دشمن ماست و آنقدراین دشمنی عمیق و پیچیده است که از لبخند و تبریک عید نوروز تا تمدید تحریم‌ها را در بر می‌گیرد. آمریکا دشمن ماست و توافق هسته‌ای و هر حرکت دیگر آمریکا، از سر دشمنی است نه از سر دوستی. چه آنکه اساسا دشمنی آمریکا بسیار عمیق‌تر از موضوع هسته‌ای و موشک بالستیک و مسئله حقوق بشر و دموکراسی است. تاریخ می‌گوید آمریکا دشمن ما بود و علیه دولت قانونی ما کودتا می‌کرد حتی وقتی نه غنی‌سازی داشتیم؛ نه موشک! و آمریکا از شاه بی‌دریغ حمایت می‌کرد؛ حال آنکه حقوق بشر و دموکراسی هم ابداً وجود نداشت. یادمان باشد فرضاً که بتوان با دشمن به توافق رسید، به دشمن هیچ وقت اعتماد نمی‌توان کرد.

عقل سلیم و تاریخ هر دو این موضوع را تایید می‌کنند. یادمان باشد که اولین اعتماد به دشمن، آخرین است. یادمان باشد که امروز روزی است که باید مرگ بر آمریکا را بلندتر و با شور بیشتر بگوییم. لفظ توافق کسی را فریب ندهد. آمریکا کشور زورگویی است که به ناحق و به جرم نکرده، تهدید و تحریم‌مان کرد و چاقوی تحریم را به شاهرگ اقتصادی‌مان فرو کرد و هنوز هم نگه داشته تا ژست ابرقدرتی‌اش را حفظ کند واین تنها نظام مخالف امپریالیسم جهانخوار را سر جایش بنشاند.

آمریکا کشوری است که با ابزار مختلف، ما را از حق مسلم هسته‌ای منع کرد و بدون هیچ دلیلی به جز قلدری ذاتی، برایمان شروط و مراحل مختلف تعریف و تعیین می‌کند. جالب آنکه همین کشور مستبد و همین دیکتاتور بین‌المللی، نگران نبود مردم‌سالاری در کشور ماست!

دراین شرایط، چه باید کرد؟! اقتصاد مقاومتی، گامی‌است برای حل این مشکلات. گامی‌که بیش از هر چیز همدلی می‌طلبد. این بار با مشکلی مواجهیم که تا دست به دست هم ندهیم و تا اتحاد کلمه بینمان نباشد، حل شدنی نیست. به مُسکن‌های تَب‌بر غرب دلخوش نباشیم. بیمار اقتصاد ما به یک عزم همگانی برای جراحی نیاز دارد.

***نجمه پرنیان / دانشجوی فیزیک**

بیانیه لوزان و موضع جنبش دانشجویی

حسن‌ملک زاده/استاد دانشگاه

بی‌تردید یکی از عظیم‌ترین دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی در حرکت به سوی فتح قله‌های پیشرفت و توسعه و به تبع آن کسب نمودن مرتبت و منزلتی والا نزد جهانیان، پیشرفت‌های سترگ و خیره‌کننده جوانان و دانشجویان دلیر و سختکوش این سرزمین در امر دستیابی به پیشرفته‌ترین فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای می‌باشد.

ابعاد و زوایای این موفقیت و دستاورد سترگ به قدری چشمگیر و غرورآفرین بوده است که حتی دشمنان این ملت را نیز به تعظیم و تکریم در برابر اراده ایرانیان واداشته است. بسیاری از خود می‌پرسند چگونه ممکن است کشوری که زیر تیغ شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های جهانی در سده معاصر بوده است، بی‌هیچ تزلزلی و این چنین پرصلابت و پرتوان به مسیر و حرکت شتابنده و توفنده خویش در فتح دروازه‌های علم و فناوری جهانی و به طریق اولی فناوری هسته‌ای ادامه داده است.

حقیقت امر این است که قدرت‌های شیطانی و جبار که چشم دیدن پیشرفت ایرانیان را نداشته و ندارند گمان می‌کردند که می‌توانند با صدور قطعنامه‌های شورای امنیت و دیگر اقدامات ایذایی و تخریبی علیه ملت ایران، دولت و ملت را به تسلیم و وادادگی سوق دهند ولی ملت ایران نشان داد که با وجود تمامی مشکلات اقتصادی، همچنان نستوه و استوار بر سر پیمان خویش با امام خامنه‌ای و شهدای گلگون‌کفن این دیار ایستاده است و حاضر به مماشات و مصالحه بر سر حقوق حقه و مسلم خویش با جباران عالم نیست.

یکی از شنیع‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین اقدامات استکبار جهانی برای ضربه زدن به بنیه علمی کشور و مرعوب ساختن مردم ایران، ترور ناجوانمردانه دانشمندان هسته‌ای کشور بود. سران رژیم کودک‌کش صهیونیستی و هم‌پیمانان این رژیم در واشنگتن، لندن، پاریس و برلین تصور می‌کردند که به واسطه ترور دانشمندان هسته‌ای کشور و ایجاد اختلال و خرابکاری در سایت‌های هسته‌ای، می‌توانند جلوی رشد و پیشرفت ایران در زمینه صنعت هسته‌ای را بگیرند ولی نه تنها این تلاش‌ها به ثمر ننشست بلکه دولت و ملت ایران با همزبانی و همدلی روزافزون بر سیاست اعلامی و اعمالی خویش مبنی بر پیشرفت شتابان در زمینه صنعت هسته‌ای ادامه دادند و به موفقیت‌ها و دستاوردهای جدیدی نائل آمدند.

مردم ایران با مقاومت دلیرانه و سلحشورانه خویش در برابر موج عظیم تحریم‌های دول غربی ثابت نمودند که سیاست تهدید و فشار از جانب غربی‌ها علیه مردم ایران، کوچکترین تأثیری در تغییر سیاست‌های ایران نداشته و ندارد و دیگر نمی‌توان با زبان تهدید و فشار با این مردم غیور و ولایی سخن گفت. وقتی غربی‌ها متوجه شدند که سیاست تحریم ایران ره به جایی نبرده است این بار ناگزیر شدند که سیاست دیالوگ و مذاکره با ایران را برگزینند.

مقام عظمای ولایت که بارها نکات ارزنده‌ای را در جهت پیشبرد صحیح و عزت‌مدارانه مذاکرات هسته‌ای به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای گوشزد کرده‌اند، بر این مهم تأکید ورزیده‌اند که مذاکره با طرف مقابل می‌باید صرفاً محدود به موضوع هسته‌ای باشد. ایشان همچنین بر این نکته ابرام و اصرار ورزیده‌اند که به نتایج مذاکرات خوش‌بین نبوده و نیستند و با وجود اینکه به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای اعتماد واثق و کاملی دارند ولی در عین حال نگران این هستند که مبادا دشمن مکار از پشت به ملت ایران خنجر بزند. جنبش دانشجویی ایران نیز به تأسی از منویات امام خامنه‌ای بر این باور است که فرایند مذاکرات هسته‌ای، فرایندی به غایت حساس، پیچیده و دشوار می‌باشد و درست از این روست که تمامی مسئولین کشوری و لشکری می‌بایستی در صفوفی به هم فشرده و با بیان نقاط ضعف و قوت تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشور به یاری اعضای این تیم بشتابند و اجازه ندهند که خدای ناکرده، دشمن، خواست‌های نابجا و زیاده‌خواهانه خویش را بر مردم ایران تحمیل کند.

صدور بیانیه لوزان که چندی پیش توسط دو طرف مذاکره در سوئیس صورت گرفت یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ مذاکرات هسته‌ای به شمار می‌آید و به باور بسیاری از صاحبنظران این بیانیه که بیشتر به یک توافقنامه شباهت دارد می‌تواند اثرات بسزایی در مناسبات و معادلات بین‌المللی داشته باشد. اما نکته تأمل‌برانگیز در فردای بعد از صدور بیانیه لوزان، قرائت‌ها و تفاسیر متفاوت و متضادی بود که از جانب دوطرف مذاکره از این بیانیه صورت گرفت. جنبش دانشجویی ایران نیز که به دقت تحولات هسته‌ای را رصد کرده و می‌کند به خوبی دریافت که ارائه قرائت‌ها و تفاسیر متفاوت از یک بیانیه مشترک، می‌تواند اسباب نگرانی‌های بسیاری را نزد فعالین ارزشی و انقلابی جامعه دانشگاهی کشور فراهم سازد.

جنبش دانشجویی کشور بارها و به تواتر، بر این مهم اصرار ورزیده است که قدرت‌های استکباری هرگز بنای به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران را نداشته و ندارند ولی به واسطه رشادت‌ها و فداکاری‌های مردم ایران بود که این قدرت‌ها ناچار شدند از در مذاکره و گفتگو با ایران وارد شوند اما این مذاکره اگر توأم با هوشیاری و دقت نظر تیم مذاکره‌کننده ایرانی در شناخت و تحلیل صحیح و باریک‌بینانه شگردها و ترفندهای خدعه‌آمیز طرف مقابل نباشد می‌تواند خسارات و عواقب جبران‌ناپذیر و فاجعه‌باری را برای امنیت ملی کشور دربر داشته باشد.

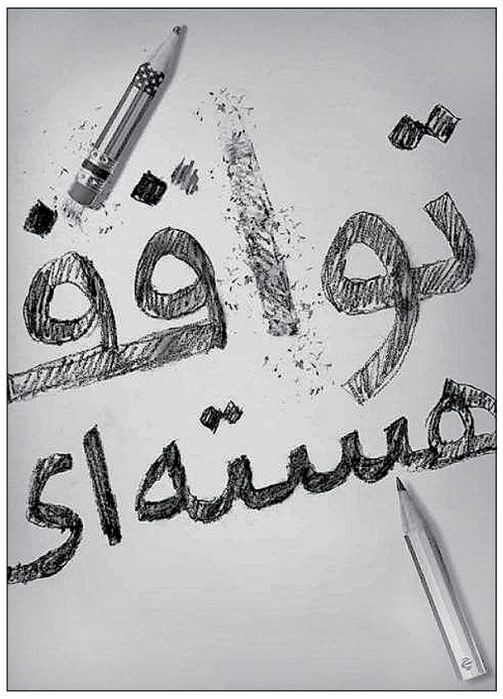

آنچه تحت عنوان بیانیه لوزان توسط آقای دکتر ظریف و خانم فدریکا موگرینی- سرپرست سیاست خارجی اتحادیه اروپا- قرائت شد، حاوی ابهامات و اشکالات بسیاری می‌باشد که به اهم این ابهامات و ایرادات اشاره می‌شود.

۱- یکی از نقاط چالش‌برانگیز این بیانیه که شبهات و نگرانی‌های فزاینده‌ای را در میان دوستداران انقلاب ایجاد کرده است، کاربرد واژه «توافق» (agree) در بیانیه می‌باشد این امر مبین و گویای این حقیقت است که گویا علاوه بر این بیانیه یک صفحه‌ای، متن دیگری تحت عنوان«توافقنامه» (agreement) وجود دارد که از انظار عمومی پنهان مانده است و یا دست کم اینکه طرف ایرانی علاقه‌ای به فاش کردن محتویات این توافقنامه ندارد. در بخش مربوط به تعهدات ایران که در بیانیه لوزان به آن اشاره شده است از تعهدات طرف ایرانی آن هم در بازه زمانی معین و مصرح سخن به میان آمده است که همین امر نیز بر این نکته دلالت دارد که لابد توافقی صورت گرفته است که چنین آشکارا و معین از تعهدات طرف ایرانی صحبت می‌شود. نکته دیگری که در این بیانیه سؤال برانگیز است، تفاوت فاحش میان متن قرائت شده از جانب طرف ایرانی و طرف مقابل است که این تفاوت‌ها نمی‌تواند سهوی و اتفاقی باشد.

۲- به فاصله کوتاهی بعد از صدور بیانیه لوزان، وزارت خارجه آمریکا متنی را تحت عنوان فکت شیت منتشر نمود که حاوی جزئیات توافقنامه میان ایران و گروه ۵+۱ است. مطالعه چندین و چندباره فکت شیت منتشره توسط طرف آمریکایی، گویای این حقیقت تلخ و اسفبار است که طرف ایرانی در برابر امتیازهای بی‌شمار و نقدی که به طرف مقابل داده است، وعده‌های نسیه گرفته است. در فکت شیت آمریکایی، تمامی تعهدات طرف ایرانی، مصرح، مشخص و شفاف بوده ولی تعهدات طرف خارجی، مبهم و نامعین است؛ مضافاً اینکه اگر هم گروه ۵+۱ تعهدی به طرف ایرانی داده است انجام و اجرای این تعهدات منوط به تأیید و راستی‌آزمایی برنامه هسته‌ای ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. در واکنش به فکت شیت منشره توسط دولت آمریکا، دکتر ظریف و دیگر اعضای مذاکره‌کننده هسته‌ای با انجام مصاحبه‌هایی با شبکه‌های داخلی کشور، فکت شیت منتشره توسط وزارت خارجه آمریکا را فاقد ارزش حقوقی خواندند و این نکته را متذکر شدند که انتشار چنین فکت شیتی، مصرف داخلی داشته و کاربرد آن بیشتر جهت تشفی خاطر تمامی تأسیسات و پایگاه‌های نظامی کشور را پیدا کنند که این امر در واقع به معنای ورود بازرسان آژانس به هر نقطه و هر جایی (Anywhere) از کشور می‌باشد و علی‌القاعده بازرسان می‌توانند با این بهانه که ممکن است فلان جا و مکان، محل انجام فعالیت‌های مشکوک هسته‌ای باشد، اجازه ورود به اماکن نظامی و صنعتی کشور را پیدا کنند. گفتنی است تأیید پروتکل الحاقی نیز عملاً به صورت اتوماتیک مجوز لازم جهت ورود بازرسان آژانس به تمامی مناطق کشور را می‌دهد.

به نظر می‌رسد با توجه به تعهدات سنگینی که طرف آمریکایی به نیابت از گروه ۵+۱ بر دوش طرف ایرانی گذاشته است، بر مسئولین دستگاه دیپلماسی کشور فرض است که با نصب‌العین قرار دادن رهنمودهای حکیمانه امام خامنه‌ای و انتشار فکت شیت ایرانی به تمامی نگرانی‌های دلسوزان نظام پایان دهند و بسترهای لازم را جهت انجام یک توافق خوب و عزت‌مدارانه فراهم کنند. همان طور که رئیس جمهور محترم بارها تأکید ورزیده‌اند، توافق هسته‌ای زمانی قابل حصول است که تمامی تحریم‌های ایران در همان روز اول امضای توافق لغو شود. جنبش دانشجویی کشور نیز ملهم از بیانات راهگشا و داهیانه مقام عظمای ولایت بر این باور است که توافق نکردن بهتر از توافق بد است و درست از این روست که جریان دانشجویی و دانشگاهی کشور، از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای انتظار دارد که با هوشیاری و التفات نسبت به دسیسه‌ها و ترفندهای پیچیده دشمنان، تمامی روزنه‌ها و بسترهای سوءاستفاده دشمن را ببندند و موجبات سرافرازی و افتخار این ملت رشید و جان بر کف را در عرصه نبرد دیپلماتیک فراهم کنند.

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه، دانشجویان و طلاب محترم:

«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی مرتبط با مقولات دانشگاهی و دانشجویی استقبال می‌کند.

علاقه‌مندان می‌توانند فایل حروفچینی شده مطالب مدنظر و نوشته‌های خود را به رایانامه Daneshgah@Kayhan.ir ارسال نمایند.

بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار مقالات ارسالی، آزاد است.

آزمون ولایتمداری

مذاکرات هسته‌ای لوزان به پایان رسید و ماحصل آن بیانیه مشترک هسته‌ای بود که اما و اگرهایی را در پی داشت. بعد از اعلام خبر توافق اولیه هسته‌ای، وزارت خارجه آمریکا فکت شیت یا گزاره برگی را منتشر کرد که به گفته خودشان آن را قبل از امضای تفاهم‌نامه آماده کرده بودند.

بالطبع انتظارات آمریکایی‌ها در فکت شیت منتشره، بسیار فراتر از موارد توافقی ۵+۱ بوده است. اما نکته قابل تامل، سکوت مقامات‌ایرانی در رد این فکت شیت و انتشار فکت شیت ایرانی است که خواسته جمع کثیری از نمایندگان مجلس، اساتید، دانشجویان و ... می‌باشد.

مقام معظم رهبری در ۲۰ فروردین سال جاری در دیدار با مداحان، خطاب به مسئولین فرمودند: «مسئولین باید بیایند مردم را و به‌خصوص نخبگان را از جزئیات و واقعیات مطلع کنند؛ ما چیز محرمانه نداریم، چیز مخفی نداریم. این مصداق همدلی با مردم است.»

حال پس از گذشت هفته‌ها از نظر صریح رهبری مبنی بر ذکر جزئیات از طرف مسئولین، باید منتظر ماند تا هرچه زودتر مصداق همدلی دولت با ملت را در انتشار جزئیات بیانیه مشاهده نمود. کما اینکه اولین بروز همدلی ملت با دولت پس‌از انتخاب نام سال را شاید بتوان بعد از انتشار بیانیه و انتقادات وارده بر آن دانست که با وجود مخالفت‌های جدی بسیاری از منتقدین، اما آنان لحنی آرام را در پیش گرفته و سعی کردند با تسامح بیشتری به نقد بیانیه موجود -که حق مسلم هر صاحب نظری است- بپردازند. اما متاسفانه هنوز و تا زمان نوشتن‌این مقاله که هفته‌ها از توافق لوزان می‌گذرد، مسئولین مذاکره‌کنند ایرانی، با بیان‌اینکه گزاره برگ‌ایرانی آماده است، انتشار آن را منوط به دستور ریاست محترم جمهوری می‌دانند!!!

با این اوصاف،این سوال در اذهان عمومی‌ایجاد می‌شود که چرا و به چه دلیل مسئولان ایرانی از انتشار جزئیات خودداری می‌کنند؟ آیا مردم ایران مَحرم نیستند؟ آیا جزئیات مذاکرات همانی است که طرف مقابل بیان کرده و برای مثال ماری هارف - سخنگوی وزارت خارجه آمریکا- فکت شیت خود را عین مذاکرات جان کری و ظریف می‌داند؟

اما نکته آخر همان‌طور که حضرت امام خامنه‌ای بارها و در مناسبات مختلف بیان فرموده‌اند، ما به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای اعتماد داریم و آن‌ها را بچه‌های همین انقلاب می‌دانیم، اما به طرف مقابل بی‌اعتمادیم، نه از باب توهم، بلکه از باب تجربه. ایشان فرمودند: «لکن در عین حال جداً دغدغه دارم؛ این دغدغه ناشی از آن است که طرف مقابل به شدت اهل فریب و دروغ و نقض‌عهد و حرکت در خلاف جهت صحیح است؛ طرف مقابل این‌جوری است.»

انتظار می‌رود مسئولین محترم مذاکره‌کننده، همانگونه که بنا به گفته خودشان به آمریکایی‌ها بی‌اعتماد هستند، این بی‌اعتمادی را در عمل نیز نشان داده و با انتشار فکت شیت ایرانی و بحث و گفت‌وگوی مخالفان و موافقان آن و با در نظر گرفتن مصالح کشور، ان‌شاءالله بهترین نتیجه را در روز توافق نهایی حاصل نمایند که مرضی حضرت ولی عصر(عج) و به نفع این مملکت شیعی باشد تا خدایی نکرده فردا روزی، شرمنده شهدای هسته‌ای و علیرضاها و آرمیتاها نشویم.

***محیا ایرجی / دانشجوی فلسفه و کلام اسلامی**